

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا
۲۳ جولای ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و آغاز خانه جنگی ها و ویرانی کشور

(۲)



پیوسته بگذشته

عده ای فکر می کنند سردار محمد داوود با اعلیحضرت محمد ظاهر پادشاه افغانستان مخالفت های بنیادی داشت که همین انگیزه ای برای کودتا شد. قسمی که یاد آور شدم تفاوت های سلیقه ئی و سلوکی درین دو شخص وجود داشت ولی در آن حدی نبود که در پی نابودی همدیگر باشند. اعلیحضرت شخص ملایم و مصلحت جو و متمایل به آمیزش با خانم

ها بود در حالی که داوود خان شخص قاطع، غیر قابل تعامل و بی علاقه به آمیزش با خانم ها بود. شنیده بودم که زمانی که اعلیحضرت به خانه اش می رفت، او از دروازه دیگر، خانه را ترک می کرد ..

آنچه موجبات کودتا را فراهم ساخت نه این مخالفت ها و نه هم عقب ماندگی های اجتماعی و فرهنگی بود بلکه انگیزه برای کودتا جو سیاسی متحول در منطقه و جهان بود که دیپلوماسی دستگاه حاکم وقت توانائی تعامل با آن را نداشت . سردار محمد داوود در یک مقطع دیگری از تاریخ کشور نیز با مشوره پادشاه، نقش سمت دهنده و متحول را در دستگاه دیپلوماسی حکومت شاهی افغانستان به عهده گرفت و مبتکر ریفرم و تغییرات عمده در عرصه های اقتصادی_ اجتماعی و سیاسی گردید. این نقش زمانی به او واگذار گردید که معاون رئیس جمهور امریکا آقای نیکسون به کابل سفر کرد. در آنوقت شاه محمود خان صدر اعظم بود. کابل در آنوقت یک هتل (کابل)، یک سرک (از ارگ الی قصر دارالامان) و یک سینما داشت. وضعیت هتل کابل در حدی نبود که از معاون رئیس جمهور پذیرایی کند لذا تصمیم گرفتند منزل یکی از خدا دادگان را در وزیر محمد اکبر خان مینه برای شب باش او تخصیص بدهند. در آنوقت کراچی پایتخت پاکستان بود. معاون رئیس جمهور از موضوع مطلع بود لذا اعلام داشت او در ختم روز دوباره به کراچی خواهد رفت. پروگرام بازدید از شهر او را قسمی ترتیب کرده بودند که صبح از ارگ به طرف قصر دارالامان برود و از راه قصر چهلستون را ببیند و دوباره به هتل کابل برای اشتراک در ضیافت ترتیب شده برگردد ولی او از پل باغ عمومی به دریاور هدایت داد تا به طرف چارچنه دور بخورد. او از موترش پائین می شود و در دکان سماوار دود زده پیاله چائی را به دست می گیرد و با دکاندار مصافحه می کند. او دوباره به محل اقامتش بازگشته و عصر روز به کراچی بر می گردد. از او خبر نگاران در میدان کراچی می پرسند که از کجا می آئید؟ او در جواب می گوید، من از کشوری می آیم که یک سرک دارد، یک هتل و یک سینما و حاکمانش دزد ها اند زیرا بیشترین کمک ها را هم از ملل متحد و هم از پروژه های انکشافی کشور های بزرگ جهان به دست می آورند ولی هیچ کاری برای رفاه مردم شان نکرده اند خبر نگار دیگری می پرسد، به نظر شما راه حل برای بهبود این وضعیت چه خواهد بود؟ او جواب می دهد، یگانه راه حل همین خواهد بود که از هندوکش به جنوب را کسی اداره کند که کراچی را اداره می کند و از آن به طرف شمال را کسی اداره کند که بخارا را اداره می کند ...

پس از این اظهارات نیکسون، وزارت خارجه افغانستان اولتیماتوم رسمی به سفارت امریکا در کابل می فرستد و در آن اظهارات معاون رئیس جمهور را غیر مسؤولانه خوانده و تقبیح می کند ... موضوع در همین جا خاتمه نمی یابد، شاه محمود خان که به سفری به ولایت غزنی رفته است، خودش خبر استعفایش را از رادیو بنابر مریضی که گویا عاید حالش شده است، می شنود که در عوض سردار محمد داوود خان صدر اعظم اعلان می گردد

سردار محمد داوود خان خواستار کمک های نظامی و اقتصادی بزرگی برای پلان های پنجساله اش از امریکا می گردد ولی امریکا نمی پذیرد، داوود خان اعلام می دارد که اگر امریکا پروژه های بنیادی حکومت افغانستان را تمویل نمی کند، ما ناگزیر هستیم از همسایه بزرگ شمالی خود تقاضای کمک نمائیم کلمه همسایه بزرگ شمالی بار اول به وسیله سردار محمد داوود شهید به کار گرفته شد ولی بار بار از جانب بیرک کارمل تکرار می گردید ادامه دارد....